



## آیین‌های عزا و سوگواری در دین یهود

# سوگواران یهوه

دکتر عبدالحسین طریقی

انسان به طور طبیعی در برخی مواقع مانند مرگ دوستان و بستگان نزدیک، یا رهبران دینی و ملی و مصیبت فردی یا اجتماعی غمگین شده و به سوگ می‌نشیند. یکی از مهمترین این موارد غم و اندوه دینی است که حالت تأثر روانی آن با اندوه شخصی از نظر محتوی و انگیزه تفاوت دارد. در ادیان این حالت نهادینه شده و در قالب یک مراسم دینی خود را می‌نمایاند. در دین یهود به مناسبت‌هایی از قبیل رحلت حضرت موسی و دیگر انبیا، مصائب بنی‌اسرائیل، تخریب بیت‌المقدس و قتل و کشتار یهودیان سوگواری و عزاداری برگزار می‌گردد. برخی از آنها ریشه در کتاب مقدس دارد. عهد عتیق به موارد متعددی از سوگ و عزا اشاره می‌نماید و به خصوص صحیفه مرثی‌نرمیاء نبی که حاوی نمونه‌هایی از این حالت است.

### اشکال سوگ در کتاب مقدس کریاه (لباس پاره کردن)

جامه چاک کردن یکی از رسوم رایج سوگ در قسمت‌های نقلی و توصیفی عهد عتیق جامه دریدن یا پاره کردن (روبین) لباس است. روبین هنگامی که سر چاه برمی‌گردد و می‌بیند که یوسف در چاه نیست جامه خود را چاک می‌زند. (پید: ۲۹: ۳۷). یعقوب رخت خود را پاره کرد و پلاس در بر کرد و روزهای بسیار برای پسر خود ماتم گرفت و ... گفت سوگوار نزد پسر خود به گور فرود می‌روم. (پید: ۳۷: ۳۵).

عکس‌العمل یوشع و بزرگان بنی اسرائیل هنگام شکست درعای به همین نحو است: یوشع و مشایخ اسرائیل جامه خود را چاک زده، پیش تابوت خداوند تا شام رو به زمین افتادند و خاک به سرهای خود پاشیدند. (یوشع: ۷: ۶). رفتار یوشع به سخنان رب شاقیر: چون حزقیال این را شنید لباس خود را چاک زده. بلاشید (دوم پادشاهان ۱: ۱۹) (شعباء ۱: ۳۷) مردخای هنگام شنیدن خبر قتل عام یهودیان چون بردخای از هر آنچه شده بود اطلاع یافت. جامه خود را دریده پلاس با خاکستر در بر کرد (استر: ۱: ۴) ایوب هنگام شنیدن مرگ فرزندان: آنگاه ایوب برخاسته جامه خود را دریده و سر خود را تراشید (ایوب: ۲۰: ۱) دوستان او هنگام تسلیت گفتن: با آواز بلند گریستند و جامه خود را دریده خاک بسوی آسمان بر سر خود افشاندند. (ایوب: ۱۳: ۲) جامه دریدن: گاه به معنای گریز از عواطف و احساسات غیر قابل وصف یا به عنوان جایگزین نمادین آسیب و نقص عضو است.

پلاس‌پوشی: تقریباً پلاس پوشی در ماتم به اندازه جامه دریدن رایج بوده است (دوم سموئیل ۳۱: ۳ / مزامیر ۱۲: ۳۰ / مرثی ۱۰: ۲) حزقیال پیشگویی می‌کند که ماتم شهر صور با درآوردن لباس‌های قلابدوزی شده و پوشیدن لباس‌های خاص عزا خواهد بود: رخت قلابدوزی خویش را بکنند و به ترس‌ها ملبس شوند (حزقیال ۱۶: ۲۶ و ۲۷: ۷) یوآب زنی دانشمند از تقوع آورد و از

خود نیاراستن: اجتناب از پوشیدن زیورآلات چون قوم این سخنان بد را شنیدند ماتم گرفتند و هیچکس زیور خود را بر خود نهاد.

پرهیز از روغن مالی و تدهین و شستشو: داود پس از فوت پسرش برخاسته خود را شستشو داد. تدهین کرد. (دوم سموئیل ۲۰: ۱۲)

روزه گرفتن (دوم سموئیل ۳: ۲۵ / استر ۳: ۳ / عزراء ۶: ۱۰ / نحیاء ۴: ۱) سینه زدن: اشعباء عزادار با وصف سینه‌زنی توصیف می‌نماید: برای مزرعه‌های دلپسند و موهای بارور سینه خواهند زد (اشعباء ۱۲: ۳۲)

کلمه معادل سینه‌زدن در عبری سفد safad که تعدیل به یک اصطلاح عام برای سوگواری و عزاداری شده است. ابراهیم آمد تا برای سازه ماتم و گریه کند (پید ۳: ۲۳) که حس ماتم و گریه به خود می‌گیرد: آن نبی به شهر آمد تا ماتم گیرد و او را دفن نماید (اول پادشاهان ۳۰: ۱۳ / میکاه ۸: ۱)

قطع مو و ریش: ظاهراً یهودیان به مناسبت مرگ ناداب و ابیهو - پسران هارون - به نشانه عزا و سوگ سر خود را بدون پوشش و موی‌شان را پریشان می‌کردند. البته کاهنان لاویان مثل هارون مجاز به چنین کاری نبودند.

موسی هارون و پسرانش العازار و ایتاما را گفت موهای سر خود را باز نکنید و گریبان خود را چاک نزنید. مبادا بمیرید. اما خاندان بنی اسرائیل ماتم خواهند کرد (لاویان ۷ و ۶: ۱۰)

در حالی که در یهودیت متأخر و جدید برای عزادار واجب و ضروری است که موهایش را بلند کند. در آن روز خداوند یهوه به گریستن و ماتم کردن و کندن مو و پوشیدن پلاس خواهد خواند. (اشعباء ۱۲: ۲۲)

سر تراشیدن: انبیا تراشیدن سر را به عنوان یک مراسم و سنت عزاداری معرفی کرده‌اند (اشعباء ۱۲: ۲۲ / ارمیاء ۶: ۱۶ / حزقیال ۱۸: ۷ / عاموس ۱۰: ۸)

در همین جهت ایوب هنگام شنیدن مرگ فرزندانش موهای سرش را می‌تراشد باد شدیدی وزیده جوانان مردند. آنگاه ایوب برخاسته جامه خود را درید و سر خود را

تراشید و به زمین افتاده سجده کرد (ایوب ۲۱: ۱).

حتی زن غیر یهودی که در جنگ اسیر شده است می‌باید تراشیدن سر را به عنوان یک رسم عزاداری رعایت کند. در میان اسیران زن خوب صورتی دیده عاشق او بشوی و بخواهی او را بزنی خود بگیری پس او را به خانه خود ببرد و سر خود را برآورد و ناخن خود را بگیرد و برای والدین خود یک ماه ماتم گیرد (تثنیه ۱۳: ۱۲).

**عمامه‌برداری:** بنابه توصیه حزقیال نبی برای ابراز تأسف و اندوه برداشتن عمامه از سر مرسوم بوده است. ای پسر انسان ماتم و گریه نکن و اشک از چشمت جاری نشود ماتم مگیر بلکه عمامه بر سرت بیچ و کفش به پایت بکن و شارب را نبوشان و طعام مردم را نخور.

**سرپوشی:** پوشاندن سر نیز یکی از آداب و مراسم عزاداری شناخته شده است (حزقیال ۱۷: ۲۴) داود چون به فراز کوه زیتون میرفت گریه می‌کرد و با سر پوشیده و پای برهنه می‌رفت (دوم سموئیل ۳۰: ۱۵) (ارمیا نبی ۴ و ۳: ۱۴ / اسیر ۱۲: ۶ و ۸: ۷) لغت‌شناسان برای معادل عبری پوشش دو ریشه ذکر کرده‌اند: اولاً از ریشه خافه به معنای پوشش و ثانیاً از ریشه مشابه عبری حافی به معنای پا برهنه که آن هم هم‌ریشه با کلمه عبری یاخف yahef به معنای پا برهنه است.

ریشه دوم گواهی حزقیال و اشعیا را در سفر تثنیه اثبات و تأیید می‌نماید.

در کنار تراشیدن سر و ریش، انبیاء رسم قطع و جرح گوشت دست و دیگر جاها را نهی کرده‌اند.

کسی برایشان ماتم نخواهد گرفت و خویشتن را مجروح نخواهند ساخت و موی خود را نخواهند تراشید (ارمیا ۷: ۱۶) هشتاد نفر با ریش تراشیده و گریبان دریده و بدن خراشیده هدایا و بخور آوردند (ارمیا ۶: ۴۱) به نظر می‌رسد آنها از تحریم و نهی چنین مراسم و آداب و رسوم غافل و بی‌اطلاع بودند. برای کاهنان یعنی پسران هارون، ابراد جرح و زخم در گوشت، تراشیدن سر و ریش از تمام انواع ماتم و عزا تحریم شده است به استثناء این که در مورد مرگ پدر، مادر، پسر، دختر، برادر یا خواهر مجرد کاهن باشد.

سر خود را بی مو نسازید و گوشه‌های ریش خود را تراشید و بدن خود را مجروح نماییند. (لاویان ۱۹: ۲۱)

سفر لاویان تراشیدن و کندن مو، خنکوبی و زخمی و مجروح کردن را به عنوان یک رسم عزاداری برای همه بنی اسرائیل تحریم می‌کند.

سر و ریش خود را تراشید بدن خود را برای مرده مجروح نسازید (لاویان ۲۸: ۱۹)

سفر تثنیه، مجروح کردن بدن و تراشیدن سر را به عنوان یک رسم عزاداری برای تمام بنی اسرائیل تحریم می‌کند. شما پسران یهوه خدای خود هستید پس برای مردگان خویشتن را مجروح نماییند و مابین چشمان خود را تراشید (تثنیه ۱: ۱۴)

سفر لاویان انگیزه تحریم‌ها را میل به اجتناب از پلیدی و نجاست در رسوم دینی معرفی می‌کند. (لاوی: ۱۹)

در حالی که سفر تثنیه انگیزه تحریم را تلاش برای نیل به قداست می‌داند.

زیرا تو برای یهوه خدایت قوم مقدس هستی و خداوند ترا برای خود برگزیده است. (تثنیه ۳: ۱۴)

**پوشاندن لب:** میکاه و حزقیال نبی پوشش لب (بالایی) را به عنوان شیوه ابراز و بیان ماتم و اندوه ذکر کرده‌اند. برای مرده ماتم نگیر بلکه عمامه بر سرت بیچ و کفش به پایت بکن و شاربهایت را نبوشان و طعام مردم را نخود (حزقیال ۱۸: ۲۴) جمع ایشان لب‌های خود را خواهند پوشانید. (میکاه ۸: ۳)

سفر لاویان همین رسم را همراه کشف و پیریشان کردن مو و جامه دریدن برای مبروصان توصیه می‌کند اما مبروص گریبان او چاک شده و موی سر او گشاده و شاربهای او پوشیده شود. (لاویان ۱۳: ۱۳)

در کتاب مقدس وضعیت مطلوب و آرماتی عزادار و ماتم‌زده حالت نشستن است. (حزقیال ۱۶: ۲۶ / پادشاه نینوا رداي خود را درآورد یلاس پوشیده بر خاکستر نشست (یونس ۳: ۷) (ایوب ۱۳: ۲) یا حالت خوابیده بر روی زمین در یهودیت متأخر متداول گردید (دوم سموئیل ۳۱: ۱۳ / مرثی ۲۱: ۲)

**دست بر سر:** دست گذاردن بر سر بنا بر کتاب سموئیل و ارمیا نبی: تا مار خاکستر بر سر خود ریخته و جامه رنگارنگ را که در برش بود دریده و دست خود را بر سر

گذارده روانه شد. (دوم سموئیل ۲۰: ۱۳) از این نیز دست‌های خود را بر سرت نهاده (۲: ۳۷)

آنچنان که در یهودیت متأخر توجه شده. عهد عتیق میان عزا و ماتم قبل از خاکسپاری و بعد از دفن تمایزی قائل نیست. آنچه می‌توان آداب و رسوم ماتم و سوگواری در کتاب مقدس نامید همانست که یهودیت متأخر را به یهودیت متقدم و اولیه پیوند می‌دهد. از این رو دانیال با پرهیز از گوشت و شراب عزاداری می‌نماید. (دانیال ۲۳: ۱۰) در حالی که میشنا (کنوت ۴: ۴) نواختن نی و فلوت را در مراسم تدفین توصیه می‌نماید. عهد عتیق سوگواری را با انقطاع و توقف رقص و وسائل موسیقی همراه می‌داند. شادمانی دفاها تلف شده. آواز عشرت‌کنندگان باطل و شادمانی برپاها ساکت خواهد شد (اشعیا ۹: ۲۴) ارمیا ۱۲: ۳۱ / مزامیر ۱۲: ۳۰ / ایوب ۳۱: ۳۰ / مرثی ۵: ۵ / جامعه ۴: ۳ همانگونه که روحانیون یهودیت متأخر انجام می‌دهند. از همراهی هدیه دادن با پایان و توقف عزاداری، می‌توان حدس زد که رسم هدیه دادن برای عزاداران مانند یهودیت متأخر ممنوع بوده است. (۱) (کاروشونحان آروخ / پوره‌دعا ۳: ۳۸۵)

یهودیت اخیر به عنوان تأیید جایگاه ارزشمند اموات (۲) و به جهت درخواست رحمت الهی اشکال مختلف عزا و سوگواری را پذیرا گردید. (تعبیث ۱: ۲)

هر یک از مکاتب معاصر انسان‌شناختی ضمن حمایت و تأکید بر یکی از انگیزه‌های فوق دیگر گرایش را حذف نمودند. هر دو انگیزه و گرایش در وراء بسیاری از آداب و رسوم عزاداری در کتاب مقدس به چشم می‌خورد.

به نظر برخی از مفسرین، هدف و انگیزه مجروح کردن بدن در اصل فراهم کردن زمینه تغذیه از خون برای روح متوفی و مقصود از قطع و کوتاه کردن مو، این که روح بتواند با قدرت نهفته در بدن به حرکت درآید.

### مرثی ارمیا نبی

کتاب مرثی ارمیا نثر و ترکیبات شاعرانه‌ایست که عملاً می‌توان آن را معادل مدح و ثناگویی معاصر دانست که توسط استاد قلمی مانند داود و ارمیا انشاء شده است. داود این مرثیه را انشاء کرد (دوم سموئیل ۱۷: ۱) ارمیا به جهت یوشیا مرثیه خواند و آن را فریضه در اسرائیل قرار دادند (دوم تواریخ ۲۶: ۳۵)

این مدح و ثناءها مطابق کاربرد آن دوران به صورت نغمه و سرود خوانده می‌شد تا دکلمه شود. این مدح و نوحه‌ها پیوسته با یک وزن خاص ترکیب و انشاء می‌گردید که امروز آن را وزن غنایی یا حزن‌انگیز و آندوهناک می‌نامند. برعکس ساخت موازی شعر در کتاب مقدس، ویژگی این گونه اشعار اینست که هر قطعه آن از دو جزء نامساوی تشکیل می‌شود. ارمیا سخن از قشر خاصی از زنان می‌گوید که اشعار مرثی و حزن‌انگیز انشاء کرده و می‌خوانده‌اند. زنان نوحه‌گر را بخوانید تا بیایند و زنان حکیم را. (۱۷: ۹) ای زنان به دختران خود نوحه‌گری را تعلیم دهید و هر زن به همسایه خویش ماتم را (ارمیا ۲۰: ۹)

هنرشان به عنوان شاخه‌ای از خرد و حکمت مورد توجه بود. از این رو آنان را متخصص و حکیم نامیده‌اند (در عبری حاخامت) Hakhamot در پی زنان حکیم بفرستید تا بیایند برای ما ماتم بریا کنند تا چشمان اشک بریزد و مؤگان ما آنها جاری سازد. (ایر: ۱۹: ۹)

مردان و زنان خواننده نوحه و مرثیه‌سرایی می‌کردند و آنها را به عنوان بخشی از آموزش عمومی جوانان، برای نسل‌های آینده حفظ کرده‌اند. ارمیا به جهت یوشیا مرثیه خواند و تمامی مفتیان و مغنیات یوشیا را در مرثی خویش تا امروز ذکر می‌کنند. (دوم تواریخ ایام ۲۵: ۳۵)

**هوار هوار کردن:** شیوه دیگر ابراز اندوه و سوگواری وای وای کردن است. در همه چهارسوها نوحه‌گری خواهد بود و در همه کوجه‌ها وای وای خواهند گفت. (عاموس ۱۶: ۵) و نیز آه و آئی کشیدن. آه ای برادر آه ای آقا (اول پادشاهان ۳۰: ۱۳ / ارمیا ۵: ۲۴ / ۱۸: ۲۲)

**مدت سوگواری:** زمان خاص سوگواری در کتاب مقدس صرفاً در ارتباط با زن اسیر غیر یهودی قید شده است. او را به خانه ببر، سر تراشیده و ناخن گرفته، برای پدر و مادر خود یک ماه ماتم بگیرد. (تثنیه ۱۳: ۲۱)

مدت زمان سوگواری در یهودیت متأخر، هفت روز مبتنی بر عزاداری پسران یعقوب است. در آنجا ماتمی عظیم گرفتند و برای پدر خود هفت روز نوحه‌گری نمودند (پیر

## دانیال با پرهیز از گوشت و شراب عزاداری می‌نماید در حالی که میشنا نواختن نی و فلوت را در مراسم تدفین توصیه می‌نماید عهد عتیق سوگواری را با انقطاع و توقف رقص و وسائل موسیقی همراه می‌داند



۱۰: ۵) اهل مصر هفتاد روز برای وی ماتم گرفتند. (پیر ۴: ۵۰)

ساکنان یاش جلعاد جسد شاول و پسرانش را زیر درخت بلوط دفن کرده و هفت روز روزه گرفتند. (اول سموئیل ۱۳: ۳۱ / اول تواریخ ایام ۱۲: ۱۰) دوستان ایوب گریستند و جامه خود را دریده خاک بر سر خود افشاندند و هفت روز و هفت شب همراه او بر زمین نشستند. (ایوب ۱۳: ۲)

در آن ایام من دانیال سه هفته تمام ماتم گرفتم (دانیال ۲: ۱۰) که نشانگر توجه کتاب مقدس به مدت زمان هفته به عنوان دوره معیار برای سوگواریست. موسی و هارون سی روز سوگواری کردند: جمیع خاندان بنی اسرائیل برای هارون سی روز سوگواری کردند: جمیع خاندان بنی اسرائیل برای هارون سی روز ماتم گرفتند. (اعراد ۲۹: ۲۰ / تثبیه ۸: ۳۴)

در حالی که یعقوب و افرائیم ایام بسیاری را برای فرزندانسان سوگواری کردند.

یعقوب زخت خود را پاره کرده پلاس در بر کرد و روزهای بسیار برای پسر خود ماتم گرفت. (پیداش ۲۵: ۳۷ / اول تواریخ ایام ۲۲: ۷)

در حالی که ارمیاء جهت ابراز تأسف و سوگواری سخن از آوردن هدیه و قربانی به معبد می کند هشتاد نفر با ریش تراشیده و گریبان دریده و بدن خراشیده هدایا و بخور آورده تا به خانه خداوند ببرند (ارمیاء ۶ و ۵: ۴۱). نحمیا مراسم جشن و سوگواری را ناسازگار می داند. (تعابیت: ۱ - ۸: ۲) پس نوحه گری نمایشید و گریه نکنید. پس به ایشان گفت بروید و خوراکی های لطیف بخورید و شربت ها بنوشید زیرا که امروز روز مقدس است. (نحمیا ۱۱ و ۱۰: ۸)

تسلای دل و راحتی سوگواران با انجام امور زیر تحقق می یابد:

نرم و ملایم سخن گفتن. سخنان دلاویز به اورشلیم بگویند (اشعیا ۲: ۴۰) هم نشینی با سوگواران (ایوب ۱۳: ۲) فراهم کردن زمینه جبران ضرر و خسارت (پید ۶۷: ۲۴ / اشعیا ۹ - ۲: ۶۰)

نان و شراب: قوم آمدند تا داود را نان بخوراند (دوم سموئیل ۳۵: ۳) و برای ماتم گری نان را پاره نخواهند کرد (ارمیا ۷: ۱۶) این نان، نان درد و رنج نامیده می شود (لحم اناشیم طعام مردگان در حزقیال ۱۷: ۲۴ / طعام نجس: لحم انیم در هوشع ۴: ۹) این شراب «جام تسلی» یا «کاسه تعزیت» نامیده شده است (ارمیا ۷: ۱۶) انگیزه توزیع چنین غذایی به این ترتیب مطرح گردیده است. تحکیم پیوند میان زندگان، تأکید مجدد بر حیات پس از طی یک دوره روزه داری از مرگ تا دفن. همزیستی و پیوند و شاد کردن روح اموات.

سوگوار در تلمود: اگر چه احکام و آداب و رسوم سوگواری عمدتاً مبتنی و بر گرفته از کتاب مقدس و عهد عتیق است آداب و رسوم دیگری نیز بر اساس تعالی خاخامها شکل گرفته و متداول گردیده است. به طور کلی یک نوع تناسب و هماهنگی در رسوم سوگواری از دوران عهد عتیق و به طور خاص میان دوره تلمودی و عصر جدید بوجود آمده است.

احکام سوگواری های تلمودی و متون اولیه تقریباً با چند استثناء مشابه عزاداری های امروز است. این احکام برای حرمت تقدیس و تقدیر از مردگان و نیز زندگان وضع شده است. (۳) بدن انسان به عنوان مخلوق الهی و محل استقرار و سکونت نفس مورد احترام و تقدیس قرار می گیرد. در نتیجه هر گونه کوششی برای تسهیل درد و رفع هم و غم سوگواران و مشارکت و همدردی با آنها صورت می گیرد. درد و رنج مرگ با این نگرش که لحظه گذار از جهان فانی به عالم ابدی است تخفیف و تسکین می یابد (زوهر: نوح: ۳۱) یکی از خاخامها این آیه از سفر پیداش را: خدا هر چه ساخته بود دید و همانا بسیار نیکو بود (پید ۳۱: ۱) به مرگ تفسیر کرده است.

یکی از رسوم سوگواری ریختن تمام آبی که کشیده شده بود در همسایگی خانه

## بدن انسان به عنوان مخلوق الهی و محل استقرار و سکونت نفس مورد احترام و تقدیس قرار می گیرد، هرگونه کوششی برای تسهیل درد و رفع هم و غم سوگواران و مشارکت و همدردی با آنها صورت می گیرد

متوفی بود. (۴) این رسم بنا بر عقاید عوام یکی شیوه اعلام مرگ بود زیرا یهودیان مایل به آوردن خبر بد نبودند. (۵). بعضی این طور تفسیر کرده اند که این عمل نشانه اینست که شخص متوفی فردی مهم بوده است. بنابراین تهیه آب کاهش می یافت مطابق آیه سفر اعراد پس از مرگ مریم: برای جماعت آب نبود. (اعراد ۲: ۲۰) بدن مرده تنها گذارده نمی شد. دیدار کنندگان تا تدفین کنار بدن می ماندند. به خاطر حرمت مرده یا حفظ جسد در مقابل آسیب های احتمالی.

این ملاقات کنندگان سوگوار از اجراء سایر احکام ایجابی موجود مادامی که مشغول این عمل خیر و خداپسندانه هستند، معاف می باشند. (۶) قبل از دفن، جسد را طی مراسمی تطهیر می نمایند (تلمود باب طهارت)

زنان نوحه گر حکیم که در سوگ دست می زدند و مرثیه و آوازهای حزین سر می دادند اجراء برنامه را در مراسم دفن به عهده داشتند. اشعار حزین آور را با یکدیگر پاسخ داده و دم می گرفتند در حالی که مرثیه ها را متفقا و به صورت کر می خواندند. (۷). بنابر باور رایج فقط در اولین روز ایام سوگواری، احکام عهد عتیق را می باید رعایت نمود. (۸) در حالی که حضرت موسی دو ایام هفت روزه عزاداری را تشریح نموده است خاخامها چهار مرحله در ایام سوگواری متمایز نمودند:

آنی نوت aninut مرحله بین مرگ و تدفین  
اولوت یا شیوا avelut هفت روز پس از دفن  
شلوشیم sheloshim مدت زمان باقیمانده تا سی روز پس از دفن

و اولین سال (تلمود اورشلیمی: موعد کاتان ۷: ۳)

در خلال ایام آنی نوت، عزادار را این onen می گویند.

اگر چه مراعات و بقاء بر احکام پرهیزی و سلبی تورات بر او واجب است، از انجام بسیاری از تکالیف ایجابی دینی مثل قرائت «شیما» (دعای روزانه مشهور) و پوشیدن روبوش دعا و عرقچین معاف و معذور می باشد (موعدکاتان ۲۳)

او احترام خود را برای یاد و خاطره متوفی خاطر نشان می کند. زیرا آنچنان مشوش و مضطرب بود که نمی توانست واجبات دین خود را بجا آورد. (۹) معاف بودن از تکالیف دینی موجب می شد که سوگوار (این) بتواند به امور مربوط به مرده و دفن و کفر و بپردازد بنابر یک حکم هر کس مشغول یک عمل دینی است از انجام دیگر تکالیف دینی معاف می باشد. (۱۰) اگر مرگ مصادف با روز شنبه باشد یا یکی از ایام انیموت یا شبه برخوردار نماید این مجبور است تمام واجبات دینی را بجا آورد (موعدکاتان ۲۳) و او حتی مجاز به خوردن گوشت و نوشیدن شراب در آن روز می باشد. (تلمود اورشلیمی، براخوت ۱: ۳)

شیوا: بلافاصله پس از مراسم دفن، شیوا یا دوره هفت روزه سوگواری شروع می شد. خانواده عزادار و مصیبت دیده در خانه متوفی جمع می شدند. بر روی صندوق ها یا تخت های واژگون می نشستند و سرشان را می پوشاندند. سوگواران می بایست جامه چاک کنند. برای کسب برکت دعای «ذیام حایت» (قاضی حق) را تلاوت نمایند

آنها همچنین نمی باید (میشنا ۲۳) این امور را انجام دهند: کارهای دستی معاملات تجاری، استحمام، تدهین بدن، کوتاه کردن مو، زناشویی، کفش چرمی پوشیدن، شستن لباس، سلام و احوالپرسی و تورات خواندن (موعدکاتان ۱۵) اما مجاز بودند بخش های غم انگیز کتاب مقدس و تلمود مانند ایوب، مرثیه، قسمت هایی از ارمیاء و احکام سوگواری را بخوانند. اولی غذای پس از تدفین شام سفودت هوراعه (غذای تسلیت) نامیده می شد.

بنابر حکم تلمود که «بر سوگوار در اولین روز عزاداری حرام است از نان خود بخورد (موعدکاتان ۲۷) دوستان و همسایگان آن غذا تهیه می کردند.

برای سوگوار همچنین پوشیدن عرقچین (تغییلین) در اولین روز ایام شیوا حرام است. (۱۱) خاخامها برای سه روز اول اهمیت بیشتری قائل بوده و اعلام کرده اند: سه

روز اول اهمیت بیشتری قائل بوده و اعلام کرده‌اند: سه روز برای اشک ریختن و هفت روز برای مرثیه و عزاست (موعدکاتان ۲۷)

شلوشیم: سوگواری به دوره شلوشیم که می‌رسد عزادار نباید موهایش را کوتاه کند و لباس‌های ضخیم سخت بپوشد. (موعدکاتان ۲۷) همچنین امور ذیل در این دوره برای سوگوار ممنوع و حرام است: ازدواج کردن، حضور در اماکن تفریحی یا جشن و شادی (حتی اگر اهمیت دینی داشته باشد) عزیمت برای سفر تجارتمی و شرکت در گردهمایی‌های اجتماعی. (موعدکاتان ۲۲) (یادائیم ۲: ۶) در صورتی که سوگواری برای والدین باشد برخی از تحریم‌های فوق طی کل ۱۲ ماه به دنبال مرگ، قابل اجراء و عمل است. عزادار اجازه نداشت که مویش را آرایش و مرتب کند مگر این که دوستانش او را سرزنش و توبیخ نمایند. او همچنین حق ورود به «خانه سرور و شادی» را در خلال این دوره نداشت (موعدکاتان ۲۲)

### عزاداری خوشاوندان

مرامات احکام و مقررات رسمی سوگواری برای نزدیکترین بستگان ضروری است که شامل همسر، پدر، مادر، پسر، دختر، برادر و خواهر می‌شود. به کاهنان (پسران هارون) بگو که کسی از شما برای مردگان خود را نجس نسازد جز برای خویشان نزدیک خود (لاویان ۳-۲۱، موعد کاتان ۳۰) البته نه برای بچه‌های کمتر از یک ماه (یادائیم ۱: ۱۶) تلمود مواردی را نقل می‌کند که جنبه‌ها و ابعاد سوگواری در مرگ معلمان و علماء دینی رعایت می‌گردید. هنگامی که زنی یوحانان می‌میرد، زنی غمی یک هفته و سی و روز عزاداری می‌گیرد (موعد کاتان ۲۵) در سوگواری برای یک خاخام، بازو و شانه راست خود را برهنه می‌کردند، برای آویت دین سمت چپ و برای ناسی هر دو طرف را (موعد کاتان ۲۲ / سماحوت ۹: ۲)

### حد و نهایت سوگواری

اگرچه شنبه جزو ایام هفته روزه سوگواری است نشانه و قرینه‌ای مبنی بر مجاز بودن عزاداری در آن روز وجود ندارد. احکام شخصی مانند تحریم شستشو در شنبه هنوز باقی مانده است. (کاتان ۲۳) / میمونیه یادائیم ۱۰۰۱) اگر دفن قبل از عید و تعطیل انجام گرفت و سوگوار مراسم عزرا را حتی برای یک مدت کوتاهی قبل از عید برگزار نمود، دوران کامل شیوا و تا روز تعطیل به پایان می‌رسد. اگر شیوا کامل می‌شد، عید و جشن آینده کل مدت شلوشیم را لغو می‌کند. اما اگر دفن در روز عید انجام می‌گرفت، شیوا و شلوشیم بعد از انتهای جشن رعایت می‌شد. در دوران پراکندگی و تبعید یهودیان آخرین روز جشن به عنوان یکی از ایام شیوا و شلوشیم محسوب می‌گردید. (موعد کاتان ۷ - ۳: ۵ / کاروشولحان آروخ ۱۳: ۴۰۰)

بستگان و دوستان، در خلال هفته شیوا به ملاقات سوگوار می‌روند.

افراد مؤذب با سکوت همدردانه و مشفقانه‌ای ابراز تسلیت می‌کنند، دوستان ایوب هفت روز با او نشست و سکوت کردند (ایوب ۱۳: ۲)

بطور کلی به ملاقات کنندگان سفارش می‌شد تا عزادار لب به سخن نگشاید آنها چیزی نگویند (موعد کاتان ۲۸) هنگام ترک خانه، رسم بود که دیدارکننده نزدیک عزادار می‌رفت و می‌گفت: خداوند ترا در میان دیگر عزاداران صهیون و اورشلیم تسلیت و راحتی دهد. در منابع فقهی و خاخامی به دلایل انتخاب هفت روز برای مدت سوگواری اشارتی شده است. مفسرین در تفسیر این آیه از کتاب عاموس نبی: خداوند می‌گوید من عیدهای شما را به ماتم و همه سرودهای شما را به مرثیه‌ها مبدل خواهم ساخت (عاموس ۸: ۱۰)

گفته‌اند همانگونه که زمان اعیاد مثل فصح و خیام هفت روز است بنا بر این دوران سوگواری نیز می‌باید هفت روز باشد (موعد کاتان ۲۰) اما کتاب زوهر یک دلیل عرفانی را ذکر می‌نماید: چون رفت و آمد روح میان خانه

و قبر هفت روز است، سوگواری برای بدن هم باید همین اندازه باشد (زوهر. وایچی ۲۲) برگزاری رسم شیوه حتی قدیمی‌تر از طوفان نوح دانسته‌اند.

خاخامها این آیه از سفر پیدایش: و واقع شد بعد از هفت روز که آب طوفان بر زمین آمد (پید ۷: ۱۰) را اینطور تفسیر کرده‌اند که خداوند کیفر و عقوبت را تا پس از هفت روز عزاداری برای «متو صالح» - جلد نوح (پید ۵: ۲۷)

خاخامها از سوگواری افراطی نهی کرده‌اند. ارهیه‌ای نبی چنین توصیه می‌کند: برای مرده گریه ننمائید و برای او ماتم نگیرید. زارزار نگیرید برای او که می‌رود زیرا که دیگر مراجعت نخواهد کرد (ازمیا ۲۲: ۱۱) که به این نحو تفسیر شده است. نه افراطی گریه کنید و نه بسیار عزاداری نمائید. بنا بر این بعد از شلوشیم عزاداری شدید و افراطی متوقف گردید. خداوند به کسی که به عزاداری ادامه می‌دهد می‌گوید: تو نسبت به مرده از من مهربانتر نیستی. خاخامها اعلام کرده‌اند هر کس برای متوفایش به حد افراط سوگواری کند مجبور است برای دیگری هم گریه کند. نقل شده است زنی در همسایگی خاخام هونا سرانجام تمام افرادش را از دست داد. حتی پسرانش را زیرا به حد افراط برای هر یک گریه می‌کرد (موعد کاتان ۲۷)

### آداب جدید سوگواری

اکثر آداب و رسومی که فوقاً ذکر شده نزد یهودیان سنتی در سراسر جهان هنوز متداول است. در بیشتر جوامع امروز انجمنهای تدفین یا معابد عزاداری برای انجام احکام و اجزاء کتاب طهورت و مراسم دفن وجود دارد. افراد و تشکیلات اونن ایم Onenim هنوز عهده‌دار مسئولیت تماس با انجمن دفن و نیز به دست آوردن مدارک فوت که قبل از برگزاری مراسم مورد نیاز است می‌باشد. آنها جهت آداء احترام شایسته به متوفی می‌باید بستگان و دوستان او را مطلع نمایند. در خانه شیواه دیگر تخت، چهارپایه و صندلیها واژگون نمی‌گردد. بجای آن سوگواران بر چهارپایه‌های کوتاه می‌نشینند. سوگواران جز موارد استثنائی پسرهای خود را نمی‌پوشانند. به جای پاپوش چرمی، دم‌بائی از پارچه، پشم یا لاستیک پوشیده می‌شود. زنان از استفاده از وسائل آرایشی در دوران شیواه خورداری می‌نمایند. در طول هفت روز بطور پیوسته شمع در خانه عزاء روشن است. همچنین پوشاندن آئینه یا برگرداندن آن به سمت دیوار متداول و مرسوم است. در توجیه و توضیح این رسم گفته شده است که نماز در مقابل آئینه حرام و ممنوع است زیرا انعکاس تصاویر حواس و توجه عبادتگر را پرت می‌کند. نگاه کردن به آئینه حاکی از غرور و نخوت است لذا در این مدت نباید در دسترس باشد.

### تغییر در مراسم

تا اواخر قرون وسطی برگزاری نماز و دعا در خانه شیواه یک رسم جا افتاده و نهادینه بود (شباط ۱۵۲) امروزه مینیان در خانه سوگواری برای برگزاری شاهه حرایت روزانه و مراسم مبادی مینهات معاریو تجمع می‌کند. برای قرائت کتاب مقدس در خلال این عبادات خانگی صوماری از تورات از کنیسه عمومی به امانت گرفته می‌شود. مشروط بر آنکه تسهیلات مناسب برای مراقبت از آن موجود و در موارد لازم قرائت گردد. اگر گرفتن مینیان در خانه ممکن نباشد برای انجام مراسم عبادات و قرائت قداش سوگواری می‌باید در کنیسه حضور یابد. بطور کلی سوگوار برای شایاط و مراسم جشن در کنیسه شرکت می‌نماید. در خانه عزاء و عبادات شخص عزادار، تغییرات زیر در روال معمولی مراسم صورت گرفته است.

۱ - متن تلمودی پیتوم هاکنورت توضیح می‌دهد نظر به اینکه قرائت تورات بر سوگوار حرام است، استفاده از ترکیب بخورات برای قربانی و هدیه روزانه در معبد حذف و منع شده است (کری لوت ۶ / کتاب نماز ۵۴۶)

۲ - به همین ترتیب، قرائت ای زهو مکومان برای سوگوار حذف می‌شود که فصلی از کتاب میشناست در مورد مکانهای اختصاص یافته برای قربانی‌های حیوانی (نماز ۴۰





۳ - مراسم برکت‌بخشی کاهانه، بنا بر سفر اعداء، که با سلامتی بخشیدن و سلام و تحیت پایان می‌پذیرد در خانه سوگ و عزاء حذف می‌شود، زیرا سوگوار نباید سلام و احوالپرسی را طول دهد اما در اورشلیم آن قرائت می‌شود. (سفر اعداء ۲۴: ۶ / نماز ۱۵۴) (نماز: کتاب نماز روزانه)

۴ - تحانون حذف می‌شود زیرا موضوع آن: «من در مقابل تو گناه کرده‌ام». برای سوگوار نامناسب است. (هرتص، نماز ۸۶ - ۱۶۸)

۵ - قرائت مزبور بیستم حذف می‌شود زیرا غم و اندوه سوگوار را در خلال «روز ننگی و مصیبت» تشدید می‌نماید. خداوند ترا در روز ننگی مستجاب فرماید (مزامیر ۲۰: ۲) (هرتص نماز ۲۰۰)

۶ - آیه‌ای که اینگونه شروع می‌شود: «و برای من این عهد و میثاق من با آنهاست» خداوند می‌گوید: «از او به وال - صهیون حذف می‌شود زیرا که عزادار رغبت به عهد و پیمانی که وضع اندوهناک او را استمرار بخشد ندارد. (هرتص، نماز ۲۰۲)

۷ - مزبور چهل و نهم (بنی قورح) که اعلام می‌دارد ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های وجود انسان در آینده تصحیح می‌گردد پس از مراسم دعای روزانه در خانه سوگ، خوانده می‌شود. (هرتص، نماز ۹ - ۱۰۸۸)

۸ - سوگوار قرائت شش مزبور (مزبور ۹۵ تا ۹۹) قبل از مراسم معاریو در روز جمعه حذف می‌کند (هرتص، نماز ۵۴ - ۳۴۵) عزادار تا پایان لخدادی در اطاق کوچک می‌ماند. سپس وارد کنیسه می‌شود، جماعت برخاسته به او سلام و تحیت می‌گویند. با همان تحیت سستی «خداوند ترا تسلیت دهد» (هرتص، نماز ۳۵۸)

۹ - هلاویه (هرتص، نماز ۷۲ - ۷۵۶) در خانه شیوه بر روش خودش قرائت نمی‌شود زیرا دارای چنین آیاتی است: «مردگان نیستند که خدا را تسبیح می‌خوانند و نه آنانکه به خاموشی فرو می‌روند (مزبور، ۱۷: ۱۱۵) این است روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود (مزبور، ۲۴: ۱۱۸) که در اکثر مراسم وقتی اطاق را ترک می‌کنند قرائت می‌شود. اگر رش خودش با روز شنبه (شایاط) مطابقت نمود.

هلاویه حتی اگر مراسم در حال برگزار شدن در خانه سوگ و عزاست هم باید قرائت شود زیرا آشکار کردن و نمایش عمومی سوگوار در روز شایاط مجاز می‌باشد.

۱۰ - طی هفته شیوه سوگوار به قرائت تورات خوانده نمی‌شود حتی اگر او تنها فرد کاهن یا لاوی در جماعت باشد. قرائتی وجود دارد مبنی بر اینکه پوشیدن لباس سیاه طی دوره شلوشیم برای عزاداران مرسوم بوده است. (یوما ۳۹، شایاط ۱۱۴، سیماخوت ۸: ۲) اما امروزه یهودیان مجاز به پوشیدن لباس سیاه یا بازوبند سیاه به عنوان نشانه سوگوار نیستند زیرا «اینها آداب و رسوم غیریهودی تلقی شده است (حوخات هاگوی) به همین ترتیب هدیه آوردن به خانه شیوه به عنوان گرایش به رسوم غیریهودی تلقی می‌گردد. در خلال دوران شلوشیم مرسوم است که سوگوار جایگاهش را در کنیسه برای مراسم دینی ایام هفته تغییر دهد. هنگام سوگوار برای والدین، طی کل دوران دوازده ماهه، صندلی و جای متفاوتی اشغال می‌شود. اما تادش را کسی که برای یکی از والدین یا بچه ۱۱ ماهه سوگوار می‌کند، تلاوت می‌نماید. در سالگرد مرگ شخص به تاریخ عبری مراسم یاه زیت برگزار می‌شود. این اعتقاد وجود دارد که وقتی سه روز یا بیشتر میان مرگ و دفن گذشته باشد یا هزیت اول بر تاریخ دفن

گرفته می‌شود و با این وجود خلال سال بعدی، در سالگرد تاریخ مرگ پاه‌زیت برگزار می‌گردد. (۱)

یهودیت اصلاح‌طلب حد زیادی در احکام و رسوم فوق تغییر و اصلاح ایجاد کرده است. هفته عزاداری اغلب کوتاه می‌شود و گاهی فقط دوره سه روز برگزار می‌شود. آداب و رسومی مانند پاره کردن لباس، روی چهارپایه کوتاه نشستن، کفش چرمی نپوشیدن، شرکت نکردن در مکانهای تفریحی و سرگرمی در خلال دوران یک ماهه یا یکساله اول بطور کلی توسط یهودیان اصلاح‌طلب رعایت نمی‌گردد.

بعضی‌ها مراسم دینی در خانه فقط برای سه روز اول بر پا می‌نمایند در حالی که دیگر یهودیان تنها پس از بازگشت از دفن، مراسم سوگوار را می‌گیرند.

۱ - (تورنی زاحاو، سفتشی کوهن، پوره دعاه ۱۲: ۴۰۲)

### پی‌نوشت

اصطلاح اولوت بطور سنتی به معنای ابراز تأسف و توصیف غم و اندوه و آداب و مراسم دینی که به دنبال از دست دادن والدین، فرزند، برادر و خواهر، همسر، یا رهبری محبوب انجام می‌شود. است یا پس از یک فاجعه ملی. این آداب و رسوم ریشه در کتاب مقدس دارد؛ مثلاً حضرت ابراهیم جهت دفن سارا یک قبر خرید. روبین و باره کردن لباس در عزای یوسف، شیون و زاری هفتاد روزه مصریان در مرگ یعقوب (پید ۵۰: ۵)، افتادن یوسف بر روی پدرش (پید ۱: ۵۰) که به عنوان اجرای وعده یعقوب تعبیر شده است. یوسف دست خود را بر چشمان تو خواهد گذاشت (پید ۵: ۴۶) یعنی آنها را پس از مرگ تو نزدیک خواه کرد. تورات توضیح می‌دهد که کدام آداب و رسوم مقبول است و آداب شرک‌مانند مجروح کردن بدن در سوگ مردگان را نفی می‌کند (لاو

۵: ۲۱ / تثنیه ۱: ۱۴) اکثر رسوم عزاداری امروزه یهودیان ریشه در کتاب مقدس و کتب فقهی و حاخامی دارد. بر همین مناسبت که مراسم عزاداری غالباً بدون تغییر مانده است. تلمود معتقد است که مراسم عزاداری که در روز مرگ برگزار می‌شود از دوره اولیه کتاب مقدس نشأت گرفته است. دوره هفت روزه عزاداری - شیوه - را به حضرت موسی نسبت می‌دهد (میشنا ۳۴ / کت ۲۵) با حفظ این اصل که حرمت و ارزش مردگان مانند زندگان است (سان ۴۶۶) بنا بر فتوای حاخامها سه روز برای گریه و هفت روز برای مرثیه‌خوانی است (میشنا ۲۷) عدد هفت از کتاب هاموس (۱۰: ۸) گرفته شده که می‌گوید عیدتان را به عزاداری تبدیل می‌کنم. مثل عید فصیح و خیم که هفت روز برگزار می‌گردد و در نتیجه سوگوار آنها هم به همین نحو است (میشنا ۲۰) تلمود حتی از سوگوار برای غیرخویشاوندان خبر می‌دهد. سی روز برای یوحانان سوگوار می‌کند. عزادار در سوگ یک حاخام بازو و شانه راست، در مرگ رئیس بت‌دین سمت

چپ و برای شاهزاده دو طرف را برهنه می‌کند. (میشنا ۲۲) البته افراط در سوگوار ممنوع است چرا که خودش یک فاجعه دوم است. یهودیت پنج مرحله مجزا برای سوگوار در نظر گرفته است که اجازه دهد به فرد تا با غم و اندوه خود سر کرده و به تدریج به جامعه بپیوندد.

اولین مرحله آنی‌نوت مرحله بین مرگ و دفن می‌باشد.

شیوه (هفت) هفت روز پس از دفن است که در آن عزاداران به همراهی خانواده و دوستان در خانه می‌مانند. به دنبال شیوه دوره سی روزه پس از دفن است بنام شلوشیم که بازگشت تدریجی به زندگی عادی است. مرحله نهایی که فقط برای والدین برگزار می‌شود شامل دوره دوازده ماهه پس از مرگ است. در این دوره عزادار زندگی معمولی را شروع می‌کند اما باطناً به عزاداری ادامه می‌دهد. این یکسال زمان کافی برای رفع کمبود و عبور و بازگشت است. در واقع عزاداری بیش از ۱۲ ماه ممنوع است.

سوگوار برای یک رهبر یا پس از یک فاجعه ملی مانند ایام روزه عمومی که در پی آن همان پرهیز و سخت‌گیریها در عزای شخصی مراعات می‌گردد. بدن مرده روی زمین و پاهایش رو به در قرار می‌گیرد با یک ملافه پوشانده می‌شود. طبق رسم باید یک شمع نزدیک سرش روشن شود. آئینها پوشانده و آبهای ذخیره شده بیرون ریخته می‌شود. در این دوران که مرگها عمدتاً در بیمارستان رخ می‌دهد بن آداب و رسوم معمولاً رعایت نمی‌شود. حداکثر دقت و توجه برای احترام گزاردن و رفتار مناسب نشان دادن نسبت به متوفی انجام می‌شود. انجمن دفن حوراه قادشیه عهده‌دار کفن و دفن و رسیدگی به مور متوفی طی مراسم بنام ظهاره (پاکیزگی) می‌باشند. بواسطه آن جسد هم ظاهر با شستشو و هم باطناً تطهیر و پاک می‌شود. با توجه به اهمیت بسیار، این رویه با نهایت وقار، شکوه و حرمت انجام می‌شود. روه و مراحل «ظهاره» توسط افرادی هم جنس متوفی انجام می‌شود. جهت پرهیز از بی‌احترامی، جسد را برنمی‌گردانند بلکه ابتدا یک سمت و بعد سمت دیگر را می‌شویند. نه و بیست و چهار لیتر آب شسته می‌شود.

